

زنان



آیا حضرت زهرا(س) می‌توانند الگوی زن مسلمان امروزی باشند؟ به چه معنایی این امر صدق می‌کند و چه دشواری‌هایی دارد؟

بستان: ما می‌توانیم این طرح بحث را در قالب دو سؤال در نظر بگیریم، یک بحث بر سر امکان و عدم امکان است؛ اینکه اصلاً امکان اینکه حضرت یا سایر معصومین را به‌عنوان الگو معرفی کنیم هست یا خیر. بحث دوم این است که بر فرض امکان آیا این الگوگیری مطلوب است یا خیر. این دو سؤال متفاوت هستند.

در خصوص بحث اول برخی این اشکال را وارد می‌کنند که وجود حضرت فاطمه(س) و ائمه، حسابشان از ما انسان‌های عادی که نواقصی داریم، جدا است و در نتیجه الگوگرفتن از آنها عملاً امکان‌پذیر نیست. یک عنایت الهی شامل آنها شده که آنها را در یک جایگاه ویژه قرار داده و ما که این ویژگی را نداریم نمی‌توانیم آنها را الگوی خودمان قرار بدهیم. به تعبیری می‌گویند که آنها برای ما دست نیافتنی هستند و زمانی می‌توان صحبت از الگو کرد که ما بتوانیم خود را شبیه آنها کنیم. می‌توانیم در پاسخ به این اشکال به‌طور اجمالی بگوییم که آن بزرگواران به هر جایگاهی که رسیدند، چیزی فراتر از استعدادهای فطری خودشان نبوده و در واقع با اراده و پشتکار خودشان آن استعدادها را شکوفا کرده‌اند و در مرحله‌ای نیز تفصل خاصی به آنها شده است. همان‌گونه که

علمای دینی و بزرگان ما هم تلاش کرده‌اند، مجاهدت کرده‌اند و در مراتبی لطف خدا شامل حالشان شده است. تنها تفاوت این است که معصومین در مقام بالاتری که دیگران به آن دسترسی ندارند و همان مقام عصمت است قرار گرفته‌اند. البته انتظاری هم که خداوند از انسان‌ها دارد این نیست که کاملاً شبیه آن بزرگواران بشوند. «لا یكلف الله نفساً الا وسعها»؛ انسان‌ها با توجه به قابلیت‌هایی که به آنها اعطا شده می‌توانند تا یک جایی رشد یابند. در بحث دوم هم که بحث مطلوبیت یا عدم مطلوبیت است سؤال‌هایی مطرح می‌شود، برای مثال فمینیست‌ها در خصوص الگو بودن حضرت مریم(س) مطرح می‌کنند که شرایط زن امروز به‌گونه‌ای است که نمی‌تواند حضرت مریم(س) را الگوی خود

در گفت‌وگو با «ایران جمعه» مطرح شد امکان الگوبرداری از زندگی

حضرت زهرا(س)

«ایران جمعه» به‌منظور بررسی ضرورت الگو بودن حضرت زهرا(س) برای زنان جامعه امروز، امکان وقوع آن و چالش‌های موجود در این مسیر گفت‌وگویی با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسین بستان، جامعه‌شناس و عضو هیأت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و حجت‌الاسلام والمسلمین احمد رهدار، استاد دانشگاه، پژوهشگر تاریخ و رئیس مؤسسه فتوح اندیشه، برگزار کرده است. در ادامه بخش اول از این گفت‌وگو را می‌خوانید.

زهرا داورپناه

عضو هیأت علمی پژوهشگاه زن و خانواده



داشته‌ایم و از سیره راهبردی و از سیره فرهنگ تولید مکان است و نمی‌توان آن را به اکنون آورد اما سیره معطوف به یک فرهنگ است که می‌توان آن را الگو قرار داد. از سیره حضرت فاطمه(س)، باید فرهنگ فاطمی در بیابوریم، این همان معنای است که آقای بستان فرمودند. اکنون مردم ما علاقه‌مندند که سیره ائمه را بشنوند و اگر از فرهنگ آنها صحبت کنیم برایشان نامأنوس است، چون آنها را به شنیدن صرف سیره عادت داده‌ایم. یک زمانی، آقای سید مهدی شجاعی در نشر نیستان از جوانان مصاحبه گرفته بودند که وقتی نام اسلام آورده می‌شود شما یاد چه می‌افتید؟ گفته بودند شتر، نخل و... این مفاهیم، بیگانه با تاریخ اسلام نیست ولی دور از اسلام است.

یافتگی را از زن امروز انتظار داشت ولی روح این کار یعنی همدوشی و همراهی با همسر در اداره زندگی خانوادگی را می‌توان الگو قرار داد. بنابراین مشکل خاصی از این جهات وجود ندارد. البته مثل سایر ابعاد دین‌شناسی الگوپذیری هم حساسیت‌های خاص خودش را دارد و یک کار اجتهادی است که اگر به درستی انجام نشود اثر منفی می‌گذارد.

رهدار: من می‌خواهم از زاویه مفاهیم دیگری به این موضوع بپردازم و این سؤال را مطرح کنم که چه اتفاقی افتاده است که بشر امروزی در پیروی از الگویی که در خوب بودن و الگو بودن آن شکی وجود ندارد تردید می‌کند؟ حتی فمینیست‌ها هم در عالی بودن حضرت مریم(س) و حضرت فاطمه(س) تردیدی ندارند، پس چرا می‌گویند این الگوها به درد زمان حال نمی‌خورد؟

علل مختلفی باعث این موضوع شده؛ یکی از علل، فرهنگ غرب است. در فلسفه این فرهنگ الگوی پیشرفت خطی مطرح می‌شود، به این معنا که هر فرد سابق نسبت به هر فرد لاحق عقب‌تر است. در واقع انسان تحت تأثیر این فرهنگ به این نتیجه می‌رسد که آن الگوها مختص قرون قبل است و نباید با پیروی از آن الگوها عقبگرد داشته باشد. با این نگاه نه فقط الگو بودن حضرت فاطمه(س) بلکه الگو بودن همه افراد زمان‌های پیش‌تر می‌شود. البته شاید در این نگاه به این صراحت در مورد الگو صحبت نشده باشد ولی این عقیده را دارند که الگوی خطی پیشرفت، هر آنچه را در گذشته است در گذشته باقی می‌گذارد و مکانیسمی که بتواند گذشته را خرج حال و آینده بکند ندارد. بنابراین معمولاً در آن تاریخ بی‌اعتبار می‌شود. اصلاً یکی از معانی سکولاریسم «در حال بودن» است. سکولاریسم به معنای دما سنجی است؛ دمای اینک و اینجا، نه اینک و جای دیگر و نه اینجا و زمان دیگر. به‌طور کلی در حال بودن را توصیه می‌کنند.

اشکال دوم که موجب شده برای زن مسلمان یا حتی فمینیست مسلمان این سؤال پیش بیاید که آیا حضرت فاطمه(س) می‌تواند الگوی ما باشد یا خیر به روش‌شناسی تاریخ صدر اسلام برمی‌گردد. از چند جهت می‌توانیم این روش‌شناسی را مورد آسیب‌شناسی قرار دهیم. جهت اول نوع نگاه ما به سیره معصومین

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسین بستان: بعضی‌ها از جنبه علمی قابل اعتماد هستند ولی ناکارآمدند و ما به آن چیزی که می‌خواهیم، نمی‌رسیم. بعضی‌ها سطح علمی‌شان در حدی نیست که بتوان به آنها اعتماد کرد ولی حرف‌های قشنگ و امروزی می‌زنند



عینی است و یک بحث دیگر معناکاوی در الگو است. این دو با هم دیگر متفاوت هستند، برای مثال عبادت حضرت زهرا(س) و برخورد عاطفی ایشان با همسر و فرزندان را می‌توان به صورت عینی مد نظر قرار داد ولی در خصوص کارکردن ایشان در خانه با توجه به پیشرفت تکنولوژی در زمان ما، نمی‌توان عین همان را از زنان امروز انتظار داشت و باید روح و معنی آن مطلب یعنی اعتنای ایشان به خانه‌داری و همسرداری را نشان داد. در بحث‌های حضور اجتماعی، رجوع دیگران به ایشان در مسائل علمی و... هم همین‌طور. یا در مثالی دیگر ایشان در مقطعی از زمان که خانواده در فقر کامل به سر می‌برد کارمزدی از یک یهودی می‌پذیرند و چیزی می‌یافتند و در ازای آن پولی دریافت می‌کنند. اکنون نمی‌توان عین همان کار



حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسین بستان: اینکه در شخصیت حضرت فاطمه(س) نقش‌های فردی و خانوادگی و اجتماعی در کنار هم وجود دارد یک جامعیتی را نشان می‌دهد که در شخصیت حضرت مریم(س) با توجه به اقتضای زمانی ایشان، وجود ندارد